

اطلاعات محرمانه تجاری در فقه و حقوق ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۲۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۱۱)

ابوطالب کوشا^۱، محمود خادم‌ان،^۲ علی‌اکبر جعفری^۳

۱. استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری *

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

۳. دانشجوی دوره دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

چکیده

در عصر فناوری اطلاعات و قابلیت دست‌یابی سریع به اطلاعات، حمایت از اطلاعات سری تجاری اهمیت فوق‌العاده‌ای یافته است. با این حال، به مفهوم اطلاعات مزبور و ضمانت اجرای حقوقی برای حمایت همه‌جانبه از آن در قالب قانونی ویژه در حقوق کشورمان توجه نشده است. این معضل به بروز مشکلات حقوقی در مقام دادرسی با ادعای نقض حریم اطلاعات مزبور و درخواست حمایت قانونی از آنها، منجر شده است. در نتیجه، بسیاری قربانی فقدان مقررات کافی در رابطه با اطلاعات سری تجاری و زیان‌های هنگفت ناشی از آن می‌شوند. ترسیم قواعد حمایتی در چارچوب تقویت مسئولیت قراردادی و غیرقراردادی در این حوزه، به امنیت تجاری و رشد سرمایه‌گذاری در کشور منجر خواهد شد. بنابراین، بررسی وجوه مبنایی - حمایتی اطلاعات مزبور در فقه و حقوق ایران، پذیرش این نهاد در قالب تصویب قانونی جامع و مانع را سرعت می‌بخشد. در پژوهش حاضر، به وضعیت اطلاعات سری تجاری در قوانین و مقررات کنونی و خلأهای ناشی از آن اشاره خواهد شد. در نهایت، به تدقیق در مسئولیت قراردادی و سپس مسئولیت غیرقراردادی نقض حریم اطلاعات فوق‌الذکر در سه حوزه مسئولیت مبتنی بر تقصیر، عینی و مطلق پرداخته خواهد شد. روش حاکم بر پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی است.

کلیدواژه‌گان: اطلاعات سری تجاری، مالکیت فکری، حریم خصوصی، مسئولیت قراردادی، مسئولیت مدنی.

مقدمه

امروزه محافظت از اطلاعات سری تجاری دغدغه‌ای مهم است. افشای اطلاعات مزبور یکی از اسباب معتابه ضرر و زیان شرکت‌ها است که میزان قابل توجهی از خسارات وارده به شرکت‌های تجاری را تشکیل می‌دهد. افشای اطلاعات سری در عرصه تجارت باعث نقض مالکیت فکری مالک آن می‌شود؛ زیرا ایده مبتکرانه و خلاقانه او پس از افشاء و اطلاع دیگران، ارزش پیشین را ندارد و فعالان تجارت با تحصیل اطلاعات مزبور و بهره‌برداری از آن، محصولاتی با کیفیت مشابه را تولید خواهند کرد و در رقابت تجاری اختلال ایجاد می‌کنند. همچنین افشای اطلاعات مزبور، حریم خصوصی این اطلاعات را به صورت نامشروع نقض می‌کند.

اطلاعات سری مزبور در عرصه تجارت، برای مالک (دارنده) آن حق و برای اشخاص دیگر تعهد به عدم افشاء و تکلیف به جبران خسارت ناشی از به کارگیری نامشروع آن، ایجاد می‌کند. تعهد به حفظ اطلاعات اشاره شده می‌تواند جنبه قراردادی یا غیرقراردادی داشته باشد. اطلاعات سری تجاری اغلب با نقض تعهدات ناشی از روابط کاری - استخدامی در معرض خطر قرار می‌گیرد که در نتیجه آن مستخدمی به افشای اطلاعات حوزه کاری خود دست می‌زند. بهترین نوع حمایت از اطلاعات مزبور، انعقاد قرارداد صریح با موضوع تعهد به حفظ اطلاعات سری تجاری است. وجود قرارداد مستقل در خصوص تعهد به حفظ اطلاعات سری تجاری این امتیاز عمده را دارد که متخلف از قرارداد نمی‌تواند با اثبات اینکه خواسته «سری» نیست، خود را از مسئولیت قراردادی برهانند؛ زیرا تخلف از عقد موجب مسئولیت قراردادی خواهد بود. همچنین، اگر تمام یا قسمتی از سوءاستفاده از اطلاعات مزبور مشمول رابطه قراردادی نباشد، در آن صورت نباید در صدق نهاد مسئولیت مدنی تردید کرد. در فرض اخیر، تعیین نوع مسئولیت حاکم بر نهاد اطلاعات سری تجاری، اعم از مسئولیت مبتنی بر تقصیر، عینی یا مطلق، در راستای حمایت هرچه بیشتر از این گونه اطلاعات حائز اهمیت است.

در پژوهش حاضر پس از شناخت عناصر اساسی اطلاعات سری تجاری در حقوق تطبیقی و بازتعریف عناصر مزبور در حقوق داخلی، به مبانی اطلاعات سری تجاری در فقه و حقوق ایران می‌پردازیم. سپس به تحلیل مبانی مسئولیت در فرض وجود و فقدان رابطه قراردادی با عنایت به ایده موافقت‌نامه درباره جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری اشاره خواهیم کرد. بدیهی است بررسی

این مبانی تحلیلی مستحکم چراغ راه قانونگذار ایرانی در وضع مقررات خاص و ویژه درباره این نهاد حقوقی در کشور خواهد بود.

۱. اطلاعات سری تجاری در حقوق ایران

تا کنون تعریف جامع و مانعی از اطلاعات سری تجاری همراه با شناسایی عناصر اساسی آن در حقوق ایران ارائه نشده و مبانی و به قواعد حمایتی این اطلاعات اشاره نشده است. فقط در قوانین مختلف و پراکنده، به صورت موردی و با رویکرد ناقص و غیرکامل به آن پرداخته‌اند که این امر ضرورت بررسی تحلیلی اطلاعات سری تجاری را در حقوق ایران بیش از پیش گوشزد می‌کند.

۱-۱. سبق تقنین و تحلیل آن

قانونگذار ایرانی متعاقب سیاست‌های ابلاغی رهبری درباره اصل ۴۴ قانون اساسی و تصویب قانون اجرای سیاست‌های مذکور به وضع مقرر در این موضوع پرداخته است. بر اساس بند اول قسمت ک ماده ۴۵ این قانون: «کسب و بهره‌برداری غیرمجاز از هرگونه اطلاعات داخلی رقبا در زمینه تجاری، مالی، فنی و نظایر آن به نفع خود یا اشخاص ثالث» در صورتی که منجر به اخلال در رقابت شود، ممنوع است. همچنین حقوق و امتیازات انحصاری ناشی از مالکیت فکری نباید موجب نقض مقرر پیش گفته شود؛ در غیر این صورت شورای رقابت اختیار اتخاذ تصمیمات متنوعی را خواهد داشت (ماده ۵۱). دلیل مقرر اخیر مستنداً به اصل ۴۶ قانون اساسی^۱ قابل توجیه است؛ برای مثال، شخصی که اطلاعات سری شرکتی اختیاریش باشد، نمی‌تواند به استناد مالکیت فکری خود، به افشا و در دسترس قرار دادن این گونه اطلاعات برای برخی شرکت‌های رقیب در راستای کسب و تحصیل سود بیشتر دست زند؛ چراکه امکان کسب و کار مطلوب و رقابت منصفانه دیگری در گرو سری ماندن این اطلاعات است و وی مجاز نیست اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر قرار دهد.

در این قانون اگرچه به کسب و بهره‌برداری غیرمجاز از اطلاعات تصریح و در این راستا به ضمانت اجرایی در ماده ۵۱ آن اشاره شده است و همچنین مقررات آن مشمول تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی می‌شود (ماده ۴۳)؛ اما این خلأ به چشم می‌خورد که تمامی ابعاد این دست اطلاعات

۱. «... هیچ کس نمی‌تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود، امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند».

- مانند ترسیم مفهوم دقیق آن از طریق شناسایی عناصر اساسی، تدقیق در مسئولیت قراردادی و غیرقراردادی نقض حریم این اطلاعات و تعیین نوع مسئولیت غیرقراردادی حاکم بر این اطلاعات (مسئولیت مبتنی بر تقصیر، مسئولیت عینی و مسئولیت مطلق) - به روشنی مشخص نشده است. در این مقاله بر این موارد تمرکز و دقت خواهیم کرد.

در بند ۳۲ از ماده ۱ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۴، به اطلاعات نهانی که قلمروی محدودی دارند، اشاره و مقرر شده است: «هرگونه اطلاعات افشا نشده برای عموم که به طور مستقیم و یا غیرمستقیم به اوراق بهادار، معاملات یا ناشر آن مربوط می‌شود و در صورت انتشار بر قیمت و یا تصمیم سرمایه‌گذاران برای معامله اوراق بهادار مربوط تأثیر می‌گذارد» اطلاعات نهانی نامیده می‌شود. ماده ۴۶ قانون پیش گفته، در راستای حمایت از اطلاعات مزبور، فقط شامل رفتارهای مجرمانه علیه اطلاعات سری اوراق بهادار است؛ از این رو، حمایت از اطلاعات سری تجاری در این قانون، حمایت همه‌جانبه‌ای نیست. رفتارها علیه اطلاعات سری تجاری در این قانون نیز فقط شامل استفاده، افشا و انتشار است و دیگر رفتارها همچون خرید، تخریب و کپی‌برداری مشمول این قانون نمی‌شود. نکته مهم دیگر در این ماده آن است که استفاده‌کننده، افشاکننده یا انتشاردهنده اطلاعات نهانی، باید به سبب شغل و حرفه خویش از اطلاعات نهانی اطلاع یافته باشد. بر اساس این، چنانچه فردی از اطلاعات نهانی اوراق بهادار استفاده کند یا آن را منتشر و افشا کند، در حالی که به سبب شغل یا حرفه به این اطلاعات دست نیافته باشد، مشمول این ماده نخواهد بود.

بر اساس ماده ۶۴۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ فعالان اقتصادی که به مناسبت شغل خود، محرم اطلاعات سری در عرصه تجارت هستند، با افشای اطلاعات مزبور، مجرم شناخته می‌شوند. اصطلاح «آسرار» مطلق آمده است؛ یعنی اطلاعات سری تجاری را نیز در بر می‌گیرد. اما مشکل آنجا است که این ماده عام، صرفاً افشای اطلاعات سری تجاری را در بر می‌گیرد و دیگر رفتارها علیه اطلاعات مزبور، همچون تصاحب، نسخه‌برداری، حمل، انتقال، عکاسی، تحویل، ارسال و تخریب را شامل نمی‌شود. دلیل این امر نیز آن است که هدف مقنن از وضع این ماده حمایت از اطلاعات سری تجاری نبوده، بلکه فلسفه این ماده مقابله با افرادی است که به مناسبت شغل خود از اسرار مردم آگاه می‌شوند و آن را افشا می‌کنند. با این وصف، می‌توان به عموم ماده ۶۴۸ قانون تعزیرات استناد کرد و افشای اطلاعات سری تجاری را نیز یکی از مصداق‌های ماده مزبور دانست؛ اما باید به این نکته مهم توجه شود که این ماده صرفاً می‌تواند افشای اطلاعات مزبور را در برگیرد و افشاکننده نیز باید

به مناسبت شغل یا حرفه خود از اطلاعات آگاهی پیدا کرده باشد. بر اساس این، اگر فردی خارج از روابط کاری از اطلاعات سری شرکتی آگاهی یابد و آن را فاش کند، مشمول این ماده نخواهد بود. ماده ۶۵ قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲ تعریفی از اسرار تجاری الکترونیکی ارائه و «اطلاعات» سری در عرصه تجارت را با عنوانی مستقل یکی از مصادیق آن قرار داده است، بی آنکه به شناسایی عناصر، مبانی و قواعد حمایتی از آن اشاره کرده باشد. با توجه به ماده ۶۴ قانون مزبور و لزوم توجه به تفسیر منطقی قوانین کیفری و خاص بودن قانون تجارت الکترونیک، ما به این نتیجه می‌رسیم که نقض حقوق اطلاعات سری تجاری به عنوان مصداقی از این ماده، تنها ناظر بر اطلاعات سری در عرصه الکترونیک است و دیگر جنبه‌های اطلاعات مزبور را شامل نمی‌شود.

توجه به قید «نقض حقوق قراردادهای استخدام» در ماده ۷۵ قانون پیش گفته نیز نشان می‌دهد که این قانون ضمانت اجرای کیفری نقض حقوق اسرار تجاری الکترونیک را صرفاً برای مستخدمان بنگاه‌های تجاری در نظر گرفته است. از این رو، چنانچه فردی بدون وجود رابطه استخدامی، اطلاعات سری تجاری الکترونیک به عنوان مصداقی از اسرار تجاری را برای خود تحصیل یا برای ثالث افشا کند، مشمول این قانون نمی‌شود.

سرانجام بر اساس ماده ۱۴ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۸ درخواست اطلاعات سری تجاری به عنوان مصداق خاصی از آن، به دلیل مغایرت با احکام مربوط به حریم خصوصی مردود تلقی گشته است. به علاوه مؤسسات مشمول قانون مزبور باید از در اختیار قرار دادن اطلاعاتی که متضمن ورود خسارت مالی یا تجاری برای افراد باشد، خودداری کنند. در غیر این صورت مستنداً به تبصره ماده ۲۱ قانون فوق‌الذکر، اشخاص متضرر مطابق با قواعد عمومی مسئولیت مدنی می‌توانند جبران خسارت‌های وارد شده را مطالبه نمایند. نقص وارد بر این قانون آن است که فقط ناظر به درخواست اطلاعات و متعاقباً در اختیار قرار دادن آن توسط مؤسسات عمومی و خصوصی است و دیگر رفتارها علیه اطلاعات، مانند تصاحب، نسخه‌برداری، عکاسی و تخریب را شامل نمی‌شود.

۱-۲. خلأ عدم شناسایی عناصر اساسی

در حقوق ایران بررسی دقیقی درباره عناصر اساسی اطلاعات سری تجاری صورت نگرفته است و در این زمینه با خلأ مواجه هستیم؛ بنابراین در تبیین عناصر آن نیاز است که بر مبنای ایده موافقت‌نامه

درباره جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری^۱ و توضیحات حقوقدانان بر اساس این موافقت‌نامه، به شفافیت هرچه بیشتر عناصر این اطلاعات پردازیم.

اطلاعات: مقصود از اطلاعات، معلوماتی است که ممکن است به صورت نوشته، تصویر، نوار صوتی، داده رایانه‌ای و... باشد. اطلاعات حتی ممکن است بی‌آنکه نمود عینی پیدا کند، در حافظه اشخاص جای داشته باشد و خصیصه اصلی آن، قابل انتقال بودن است.

لزوم درآمدزایی: یکی دیگر از اجزاء بنیادین اطلاعات سری تجاری، ارزش اقتصادی مستقل آنها است. منظور از «مستقل»، ارزش ذاتی و فی نفسه است. در برخی از آرای محاکم (Integrated Cash Management Serv V Digital (Transactions, 920 F. 2d 171, 174 تأکید شده است که اطلاعات سری تجاری باید برای دارنده‌اش موقعیت‌هایی پدید آورد تا در بازار رقابتی، منافع اقتصادی بیشتری نسبت به رقبای خود تحصیل کند؛ در غیر این صورت اطلاعات مزبور اطلاعات سری تجاری قلمداد نمی‌گردند (Holligan, Mark R & Richard F. Weyand).

ارزش اطلاعات سری تجاری ممکن است بالفعل یا بالقوه باشد؛ بالفعل مثل فرمول سری تولید شیشه‌های با مقاومت بالا که عملیاتی و محصول آن به بازار ارائه شده است و بالقوه یعنی با آنکه از اطلاعات سری هنوز در امر تولید یا ارائه خدمات بهره‌برداری نشده است، اما این قابلیت را دارند که با به کارگیری آنها بتوان منفعی به دست آورد. بنابراین صرف برخورداری یک رویه تجاری از استعداد درآمدزایی موجب می‌شود تا این رویه، مشمول سازوکارهای حمایتی از اطلاعات سری تجاری قرار گیرد (قبولی درفشان، ۱۳۹۲: ۱۰۹). لزوم محرمانگی: اطلاعات سری تجاری اطلاعاتی است که جنبه پنهانی داشته باشد. لذا هر آنچه به سهولت به دست آید، اطلاعات سری تجاری نیست. در یک پرونده (Richards Mfg Co V Thomas and Betts Corp Civ. No.01-4677 2005)، دادگاه اثبات محرمانگی را شرط ورود در ماهیت پرونده و صدور حکم دانسته‌اند (Simon & Jones, 2005: 77). در این راستا دادگاه‌ها معمولاً از تأیید اطلاعات تجاری‌ای که به سادگی از منابع عمومی مثل روزنامه‌ها و پایگاه داده‌ها قابل جمع‌آوری باشند، به عنوان اطلاعات سری تجاری خودداری می‌کنند (Milgrim, 2006: 38). در تشخیص سری بودن اطلاعات تجاری می‌توان از معیار عرف استفاده کرد. طبق این ضابطه، تشخیص عرف تعیین‌کننده سری بودن اطلاعات تجاری است. بحث مهم در خصوص لزوم محرمانگی، در مباحث مربوط به ادله اثبات تجلی می‌یابد. خواننده با اثبات

1. Section 7: Protection of undisclosed, information: Article:39.

آشکار بودن مسئله برای همگان می تواند از مسئولیت رهایی یابد. بنابراین، اصل بر محرمانه بودن اطلاعات تجاری است و خواننده با اثبات آشکار بودن مسئله می تواند عدم مسئولیت خود را اثبات کند (قبولی درافشان، ۱۳۹۲: ۱۱۰).

لزوم اتخاذ تدابیر معقول: بر اساس این معیار، دارنده باید اقدامات معقول جهت حفظ اطلاعات سری تجاری را اتخاذ کرده باشد. بر اساس این، اطلاعات باید به نحوی شایسته، حفظ شوند. از این رو، قرار دادن اطلاعات مهم تجاری در یک پایگاه اینترنتی ناامن یا ارسال آنها به وسیله سامانه های الکترونیکی رایگان، که هر لحظه در معرض هک قرار دارند، خارج از حد متعارف تلقی می شود (Boni, 2002: 92). بنابراین اتخاذ تدابیر ذیل ضروری است: ۱. اسناد و رایانه های حاوی اطلاعات سری تجاری باید در جایگاه های دارای حفاظت های امنیتی قرار داده شده، با برچسب سری مشخص شوند. ۲. در صورت لزوم باید با رمزگذاری اطلاعات، امنیت آنها را در محیط های مجازی تضمین کرد. بدین ترتیب، تنها کسانی که از کدهای مربوط مطلع اند، می توانند اطلاعات را بازخوانی کنند. ۳. دسترسی مستخدمان شرکت به اطلاعات سری تجاری باید محدود شود و دسترسی جز برای افراد تعیین شده میسر نباشد؛ بدین ترتیب که اسامی و مقام مستخدمانی که به اطلاعات سری تجاری دسترسی دارند ثبت شود. این اشخاص باید مقصود خود را از استفاده از اسناد و اقلام حاوی اطلاعات سری تجاری به صراحت اعلام کنند. ۴. هرگونه مکاتبه یا ارائه اطلاعات درباره اطلاعات سری تجاری از سوی مستخدمان، باید با اطلاع و تأیید مدیران شرکت باشد.

بنابراین عناصری همچون ماهیت اطلاعاتی، لزوم درآمدزایی، لزوم محرمانگی و لزوم اتخاذ تدابیر معقول را می توان برای اطلاعات سری تجاری در نظر گرفت. پس از شناخت ماهیت اطلاعات مزبور از طریق عناصر آن، در ادامه به مستندات اطلاعات اشاره شده در فقه و حقوق ایران و قواعد حمایتی از آن در قالب مسئولیت قراردادی و غیرقراردادی می پردازیم.

۲. حمایت از اطلاعات سری تجاری در حقوق ایران

مبانی اطلاعات سری تجاری در دو محور مالکیت فکری و حریم خصوصی این گونه اطلاعات قابل ارائه است.

۲-۱. مالکیت فکری اطلاعات سری تجاری

در این قسمت به دو مقوله اطلاعات سری تجاری مصداقی از حقوق مالکیت فکری و مستندات حمایت از مالکیت فکری اطلاعات سری تجاری می‌پردازیم.

۲-۱-۱. اطلاعات سری تجاری مصداقی از حقوق مالکیت فکری

حقوق مالکیت فکری در معنای عام شامل مصادیق متنوعی، از جمله مالکیت‌های ادبی، هنری و موسیقایی، است. به نظر می‌رسد اطلاعات سری تجاری را نیز بتوان به عنوان مصداقی از حقوق مالکیت فکری قلمداد کرد؛ زیرا اولاً مالکیت فکری ناظر به آفریده‌های بدیع فکر افراد است؛ آفریده‌هایی که در ذهن آفریننده یا پدیدآور شکل گرفته، این قابلیت را دارند که در دنیای مادی ابراز شوند (Wipo/ understanding copy right, 2008: 3). اطلاعات سری نیز آفریده‌های نوآورانه فکر افراد در عرصه تجارت است که از منظر تجاری با ارزش‌اند؛ نظیر اطلاعات مربوط به فرمول‌ها، دستورالعمل‌ها و طرح‌های ساخت کالاها. بنابراین، اطلاعات مربوط به فهرست مشتریان، قراردادهای مربوط به جزئیات قیمت خرید و فروش، وضعیت تجاری مؤسسه تجاری و... از دایره شمول اطلاعات سری تجاری خارج هستند؛ هرچند این اطلاعات در تجارت بااهمیت‌اند؛ اما اثری از مالکیت‌های ابتکاری فکری در آنها دیده نمی‌شود (The Honourable Julie A. Thorburn, Keith G. Fairbairn, 1998: 158).

اموال فکری با مصرف و استفاده از بین نمی‌روند و از این نظر شبیه به اموال قابل بقا هستند. همین مسئله باعث می‌شود آسیب‌پذیر باشند و افراد مختلف در نقاط مختلف جهان بتوانند از اموال فکری به دفعات بهره‌مند شوند (پیلوار، ۱۳۹۴: ۲۵). از این رو، چون اطلاعات سری تجاری نیز با مصرف از بین نمی‌روند و امکان استفاده از آنها حتی به دفعات توسط افراد مختلف آنها را آسیب‌پذیر کرده است، اتخاذ تدابیر معقول جهت حفظ آنها و لزوم محرمانگی (که پیش‌تر به عنوان عناصر اساسی این گونه اطلاعات ذکر شد) در آنها ضروری است.

فقه‌های شیعه هیچ تأکیدی بر محسوس بودن شیء متعلق مال ندارند (خوئی، ۱۴۱۹، ج ۲: ۲۰؛ اصفهانی، ۱۴۱۸، ج ۴: ۳۶۵-۳۶۴) و اگر عرف عقلا امری را مال بدانند، چه آن امر محسوس باشد، چه غیر محسوس، کافی است. در همین راستا با ملاحظه تاریخ فقه می‌توان دریافت که فقها از گذشته‌های دور قائل به صحت بیع دین یا عین کلی و مالکیت بر آنها بوده‌اند که فی نفسه اموری

غیر محسوس هستند. شاید برای همین است که مشروعیت اموال فکری خیلی سریع نزد اکثریت قاطع فقهای شیعه تثبیت شد. اطلاعات سری تجاری نیز به عنوان مصداقی از اموال فکری امری غیر محسوس است که قابلیت تعریف در دایره شمول حقوق مالکیت فکری را دارد. به علاوه، یکی از عناصری که برای این گونه اطلاعات ذکر شد، لزوم درآمدزایی به معنای ارزش اقتصادی مستقل بود و چون وجود ارزش اقتصادی و درآمدزایی فرع بر مالیت داشتن این گونه اطلاعات است و از طرفی مال بودن اطلاعات مزبور با توجه به ادله مالیت حقوق فکری قابل توجیه است، اطلاعات مزبور می تواند مصداقی از اموال فکری باشد و ذیل عنوان مالکیت فکری قرار گیرد.

۲-۱-۲. مستندات حمایت از مالکیت فکری اطلاعات سری تجاری

قاعده حرمت و تسلیط: قاعده حرمت مستند قرآنی و روایی دارد؛ مستند قرآنی مثل آیه «لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تكون تجاره عن تراض» که مراد از اکل مال، تصرف کردن و مسلط شدن بر مال است (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۵۰۰) و مستند روایی نظیر روایت پیامبر اعظم (ص) که می فرماید: «حرمة مال المسلم كحرمة دمه» (طوسی، بی تا: ۵۹) و روایت امام صادق (ع) که می فرماید: «لا یحل دم امرء مسلم ولا ماله الا بطیب نفس منه» (همان: ۱۷۷). استنباط فقها از این مستندات، لزوم احترام به سرمایه مسلمان، حرمت هر گونه دخل و تصرف بدون اجازه مالک و جبران خسارت در صورت تعدی و تجاوز به اموال دیگران است.

در قواعد فقهی، قاعده دیگری هم هست که ارتباط نزدیک و تنگاتنگی با قاعده حرمت مال دارد که «قاعده تسلیط» نامیده می شود. مبنای این قاعده، حدیث مشهور پیامبر (ص) است که می فرماید: «الناس مسلطون علی اموالهم» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۷۲). قاعده تسلیط دو جنبه نفی و اثبات دارد. از یک طرف بیان می کند که مالک مال، اجازه هر گونه دخل و تصرفی در اموال خود را دارد (جنبه اثباتی) و از طرف دیگر، سایرین حق هیچ گونه تصرفی در مال غیر، بدون اذن وی ندارند (جنبه نفی).

با بررسی این دو قاعده و نیز قابلیت اطلاق مال بر حقوق فکری اطلاعات سری تجاری با توجه به تعاریف ارائه شده از سوی برخی فقیهان (موسوی خوئی، بی تا، ج ۲: ۴۲؛ جنوردی، ۱۴۱۹، ج ۲:

۲۹؛ انصاری، ۱۳۷۰، ج ۲: ۱۶۱؛ حسینی عاملی، ۱۴۲۹، ج ۱۲: ۱۳۲)،^۱ به این نتیجه می‌رسیم که مالکیت معنوی اطلاعات مزبور برای دارنده (مالک) آن، مشمول قاعده حرمت مال و قاعده تسلیط می‌شود؛ بنابراین هرگونه دخل و تصرفی در این گونه اطلاعات، منوط به اجازه پدیدآورنده آن است. قاعده لاضرر و نفی حرج: در شریعت اسلام، فقط احکام وجودی ضرری نفی نشده، بلکه هرچه در شرع بدان ملتزم می‌شوند و بر طبق آن رفتار می‌کنند، چنانچه ضرری باشد، خواه امر وجودی باشد یا عدمی، با قاعده لاضرر^۲ (محقق داماد، ۱۳۹۱: ۱۴۴-۱۴۰) نفی می‌شود. پس همان‌گونه که منت^۳ بر امت اقتضا می‌کند احکام وجودی ضرری را نفی کند، اقتضا می‌کند احکامی را که از عدم آنها ضرر متوجه بندگان می‌شود، جعل و وضع کند (انصاری، ۱۴۱۴: ۱۱۹). از حدیث سمره نیز چنین مستفاد می‌شود که قاعده لاضرر شامل احکام عدمی هم می‌شود و به عبارت دیگر قاعده لاضرر اثبات حکم (ضمان) می‌کند. بر همین اساس پیامبر به مرد انصاری حق داد که درخت سمره را بکند و برای این حکم به لاضرر استناد فرمود. علت این بود که بدون استناد به این حکم، مرد انصاری چنین حقی نداشت و پیامبر به این وسیله از مرد انصاری دفع ضرر کرد (سبحانی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۱۰۹).

۱. «المال ما يرغب فيه العلاء و يبذلون بازائه شيئاً» و «ان المال كل شي يكون للناس احتياج اليه في تدبير امورهم في حياتهم و معيشتهم». با توجه به تعریف اول، عقلا در عصر ما، هم به حقوق فکری اطلاعات سری تجاری در عرصه کسب و کار و رقابت تمایل داشته و هم حاضرند در ازای آن مبلغی را پرداخته و برای تحصیل آن هزینه کنند. این امر می‌تواند قابلیت اطلاق مال را با توجه به تعریف آن بر حقوق فکری اطلاعات سری تجاری فراهم کند. وانگهی، با عنایت به تعریف دوم، اشخاص حقیقی و حقوقی در تدبیر امور تجاری خود از کسب حقوق فکری اطلاعات سری تجاری بی‌نیاز نبوده و برای بهره‌وری و سودآوری هرچه بیشتر فعالیت‌های خود بدان محتاج‌اند؛ امری که قابلیت انطباق مفهوم مال را بر حقوق فکری اطلاعات سری تجاری فراهم می‌آورد. مضاف بر اینکه در فقه اسلامی مشهور فقها برای اینکه چیزی مال تلقی شود دو شرط مهم قائل‌اند: ۱. از نظر عرف عقلا دارای منفعت باشد. ۲. منفعت مذکور توسط شارع نهی نشده نباشد. حقوق فکری اطلاعات سری تجاری نیز در عرف عقلا امروز دارای منفعت بوده و ردعی از شارع نیز در این زمینه به چشم نمی‌خورد، در نتیجه صدق عنوان مال بر این نوع از حقوق قابل تصور است.

۲. به موجب حدیث نبوی «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» هر کار زیان‌باری به حال شخص یا مسلمانان دیگری ممنوع و حرام است. در تفسیر قاعده مذکور بین فقهای شیعه اختلاف است؛ برخی آن را به معنی نفی حکم ضرری، گروهی نهی از اضرار و جمعی نیز نفی ضرر غیرمتدارک تفسیر کرده‌اند.

۳. منظور قاعده امتنان است که از باب تسهیل و دفع عسر و حرج بر بندگان جاری می‌گردد.

همچنین به روایاتی نظیر «کل شیء یضر بطریق المسلمین فصاحبه ضامن لما یصیبه» (اصفهانی، ۱۴۰۶، ج ۱۰: ۴۳۹) تمسک شده تا این نتیجه که قاعده لاضرر اثبات حکم (ضمان) می‌کند، به دست آید. به علاوه، در قاعده لاضرر نه فقط به نصوص لفظی، بلکه به بنای عقلا باید تمسک شود. بی تردید عقلا عامل زیان را مسئول جبران خسارت می‌دانند و پشتوانه اصلی در قاعده ضرر، همان بنای عقلا و احراز امضای آن از طریق عدم ردع شارع است (محقق داماد، ۱۳۹۱: ۱۶۱).

قاعده نفی حرج^۱ نیز همچون لاضرر در امور عدمی جاری می‌شود (ناصحی، ۱۳۹۴: ۲۱۶)؛ چراکه اسلام عبارت است از مجموعه قواعد و مقرراتی شرعی که خداوند برای زندگی مردم اعتبار کرده است. این قواعد و مقررات اختصاص به احکام وجودی ندارد و شامل احکام عدمی هم می‌گردد (حیدری، ۱۴۲۰: ۲۹۷). اگر بعد مالکیت فکری اطلاعات سری تجاری توسط قانونگذار حمایت نشود، از سویی در حوزه تجارت با کاهش تولید کالاهای ناشی از خلاقیت و نوآوری و از سوی دیگر با افزایش بی حد و حصر تعدیات به دسترنج فکری و خلاقانه پدیدآورندگان آن رو به رو می‌شویم. بنابراین عدم حمایت از اطلاعات مزبور، تولیدکنندگان محصولات فکری را متضرر و دچار عسر و حرج می‌کند. از این رو می‌توان با استناد به قاعده لاضرر و لاجرج در راستای دفع این تنگنا به وضع قوانین حمایتی در این زمینه اقدام کرد.

قاعده حفظ نظام (تجاری): بر اساس این دلیل هر جا که انجام دادن یک فعل یا ترک آن پایه‌های نظام را سست و متزلزل کند و نظم جامعه را مختل سازد، عقل مستقل حکم می‌کند که باید از آن احتراز کرد. فقها بارها به قاعده مذکور به عنوان محکم‌ترین و مستدل‌ترین دلیل استناد کرده‌اند (خمینی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۳). معتقدان به حفظ نظام (تجاری) در صغرای استدلال خود به ضرورت‌های حمایت از بُعد مالکیت فکری (اطلاعات سری تجاری) اشاره کرده، معتقدند که در صورت عدم حمایت از آن، آثاری چون ایجاد رکود، رقابت‌ناپذیری بازار و دسترسی غیرمشروع متعدیان به آن به وجود خواهد آمد. نتیجه آنکه شناسایی حق انحصاری برای پدیدآورندگان آن، تنها تکیه‌گاه مالکان آن است و در صورت عدم شناسایی چنین حقی، اختلال نظام تجاری به تدریج حتمی خواهد شد. بدین ترتیب، شناسایی حق مالکیت فکری اطلاعات مزبور برای خالق خلاق آن و مقابله با

۱. منظور از این قاعده این است که تکالیفی که موجب مشقت و سختی برای مکلف است، در دین وجود ندارد. در واقع، تکلیف به هر چیزی که موجب سختی باشد، عقلاً قبیح است؛ زیرا انگیزه تکلیف، اطاعت است و این هدف با تکلیف به امر غیرقابل تحمل نقض می‌شود.

عملیات تجاوزکارانه نسبت به این آثار از باب ضرورت حفظ نظام تجاری، قطعی بوده و با توجه به قاعده ملازمه، چنین حقی شرعاً معتبر است (جعفرزاده، ۱۳۸۵: ۷۹).

حکم حکومتی و نظریه منطقه الفراغ: احکام حکومتی عبارت است از فرمان‌ها و دستورالعمل‌های جزئی، وضع قوانین و مقررات کلی و دستور اجرای احکام و قوانین شرعی که رهبری مشروع جامعه با توجه به حق رهبری - که از جانب خداوند متعال یا معصومان (ع) به وی تفویض شده است - یا لحاظ مصلحت جامعه صادر می‌کند (صرامی، ۱۳۸۰: ۴۷). بنابراین ولی فقیه اگر مصلحت جامعه را در الزام اجتماع به تبعیت از حقوق مالکیت فکری اطلاعات سری در حوزه تجارت تشخیص دهد، می‌تواند از ولایت خود استفاده کرده، با محترم شمردن این حقوق، رعایت آن را بر همگان تکلیف نماید؛ زیرا امام و والی مسلمانان حق دارد به آنچه صلاح مسلمین و مربوط به نظام اسلامی و جامعه است (مانند حمایت از اطلاعات سری تجاری) عمل کند (خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۶۲۶).

علاوه‌براین، منطقه الفراغ به حوزه‌ای از شریعت اسلامی ناظر است که به سبب ماهیت متغیر آن، احکام موضوعات و عناوین می‌تواند متغیر باشد و شارع، وضع قواعد مناسب با اوضاع و احوال و مقتضیات زمان و مکان را با حفظ ضوابط و در چارچوب معینی به عهده ولی امر گذاشته است (حکمت نیا، ۱۳۸۶: ۳۷۶-۳۷۷). به تعبیر بنیانگذار این نظریه، هر فعل به لحاظ تشریعی مباح است. بنابراین، هر فعالیت و عملی که نص تشریعی بر حرمت یا وجوب آن دلالت نکند، ولی امر می‌تواند با دادن صفت ثانوی از آن منع و یا به آن امر کند (صدر، بی تا: ۶۸۹). به بیانی دیگر، نظریه منطقه الفراغ مدعی است که پاره‌ای از روابط انسان‌طور و دگرگونی دارد و خداوند متعال شیوه قانونگذاری در آن را با تبیین اصول و ضوابطی به عهده حاکم اسلامی گذاشته است. از همین رو یکی از آن حوزه‌ها، شناسایی حقوق مالکیت فکری اطلاعات سری در عرصه تجارت است؛ بدین شرح که اطلاعات مزبور به لحاظ اینکه در آن خلاقیت فکری هست، در این منطقه قرار دارد و حاکم اسلامی با توجه به مقتضیات زمان و مکان اباحه بهره‌گیری از این گونه اطلاعات برای غیر پدیدآورنده آن را منع کرده است.

۲-۲. حریم خصوصی اطلاعات سری تجاری

دلیل عقل: در تعریف دلیل عقلی^۱ گفته شده است: «دلیل عقلی حکم عقلی است؛ در پرتو حسن و قبح افعال و اشیاء که به وسیله آن به حکم شرعی برسند و از علم به حکم عقلی، در پناه ملازمه، علم به حکم شرعی پیدا شود». از این تعریف به دست می‌آید که عقل می‌تواند نخست خوبی و نیکویی امری را درک کند و بر پایه این درک عقلی به حکمی مناسب دست یابد و با توجه به قانون ملازمه به حکم شرعی دسترسی پیدا کند (فیض، ۱۳۸۱: ۲۹۲).

در واقع، هرگاه عقل در انجام عملی مصلحت حتمی و کاملی مشاهده کرد - به گونه‌ای که به صورت قاطع حکم به لزوم انجام آن عمل داد - یا مفسده مهم و اساسی‌ای در عملی درک کرد - به صورتی که به نحو قطع به لزوم ترک آن عمل حکم کرد - در چنین مواردی عقل حکم دیگری را نیز درک می‌کند و آن اینکه هر قانونگذار عاقل حکیم و مصلحت‌اندیشی نیز باید همین‌طور حکم کند. با توجه به اینکه همه احکام شارع مقدس طبق موازین حکمت و حکیمانه است، از این رو شارع مقدس نیز باید به لزوم انجام دادن فعل واجد مصلحت و ترک فعل واجد مفسده حکم کند (علیدوست، ۱۳۸۵: ۹۴). به عبارت روشن‌تر، ملازمه میان عقل و شرع از نظر عقلی ثابت است؛ زیرا عقل وقتی به حسن چیزی در جهت حفظ نظام و بقای نوع بشر یا قبح چیزی به سبب اخلال در حفظ و بقای نوع حکم کرد، این حکم حکایت از رأی همه عقلا خواهد داشت. در این صورت شارع نیز لزوماً بر طبق آن حکم می‌کند؛ چراکه شارع نیز از عقلا، بلکه رئیس آنان است (مظفر، ۱۳۸۴: ۴۱۴). با توجه به آنچه گفته شد عقل یکی از منابع اصلی استنباط احکام شرعی است. امروزه نیز عقل اهمیت حمایت از حریم خصوصی اطلاعات سری در عرصه تجارت را درک می‌کند. امروزه تجارت و نیاز به مصون ماندن از افشا اطلاعات سری از اساسی‌ترین خواسته‌های افراد درگیر تجارت، برای تداوم فعالیت تجاری آنان است. به همین دلیل، عقل به حمایت شرعی و قانونی همه‌جانبه از آن دلالت دارد. با استناد به همین دلیل گفته شده که دفاع از حریم در صورت استطاعت واجب است؛ چراکه دفع ضرر عقلاً واجب است (نجفی، ۱۳۶۳: ۶۵۳).

۱. «کل ما حکم به الشرع حکم به العقل و کل ما حکم به العقل حکم به الشرع».

ممنوعیت تجسس (و تحسس): خداوند متعال در آیه ۱۲ سوره حجرات^۱ به ممنوعیت تجسس اشاره کرده است. البته این آیه، هر سه مورد ممنوعیت تجسس، ممنوعیت سوءظن و ممنوعیت غیبت را شامل می‌شود. دو واژه تجسس و تحسس چندان از همدیگر دور نیستند، تنها تفاوت میان آنها این است که «تجسس» به پی‌گیری‌ها در امور پنهانی گفته می‌شود و «تحسس» در رابطه با کسب اطلاع نسبت به امور آشکار به کار می‌رود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵: ۱۳۷). در تعریف تجسس آمده است: «تجسس عبارت است از تفحص از امور باطنی»^۲ (خرازی، ۱۳۸۰: ۱۵). به نظر می‌رسد این تعریف از تجسس در راستای حمایت از حریم خصوصی باشد؛ زیرا بنا بر تعریف، حریم خصوصی قلمروی از زندگی است که به هر دلیلی از دیگران پنهان نگه داشته می‌شود. به دیگر سخن، فقط امور باطنی یا غیرظاهر هستند که می‌توانند مشمول حریم خصوصی قرار گیرند و امور آشکار حریم خصوصی نیستند.

طبق این آیه، خداوند مردم را از هر گونه کنجکاوی و تجسس در زندگی شخصی و پنهانی افراد بر حذر داشته است. با توجه به اینکه متعلق این آیه شریفه حذف شده و مصداق خاصی برای تجسس ذکر نشده، این آیه در زمینه تحریم تجسس نسبت به دیگران و پخش کردن اسرار آنان اطلاق دارد. بنابراین درباره هیچ امری نمی‌توان تجسس کرد؛ مگر اینکه دلیل شرعی خاصی وارد شده باشد. در ما نحن فیه، اطلاعات سری تجاری از اسرار اشخاص و امور پنهانی ایشان محسوب می‌شود که با توجه به اطلاق آیه، تجسس از این گونه اطلاعات بدون اطلاع پدیدآورنده آن ممنوع است. روایاتی^۳ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲: ۲۵۲) نیز در این زمینه موجودند که بر ما نحن فیه اشعار دارند و از اطلاق آنها حمایت از اطلاعات سری تجاری - که در زمره امور پنهانی اشخاص است - مستفاد می‌شود.

ممنوعیت استراق سمع و بصر: استراق سمع در زبان فارسی به معنای دزدیده گوش به سخن کسی دادن و شنود مکالمات دیگری است (معین، ۱۳۸۲، ج ۱: ۴۳۷). همچنین استراق بصر به معنای دزدیده نگاه کردن بدون اطلاع دیگری است. در قرآن^۴ و روایات به این موضوع پرداخته شده است.

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا».

۲. «التجسس هو التتبع والتفحص عن بواطن الامور، سواء كان لنفسه او لغيره».

۳. «و لا تجسسوا و لا تحسسوا و لا تناجسوا».

۴. «يلقون السمع و اكثرهم كاذبون».

طبق آیه ۲۲۳ سوره شعرا، مخفیانه گوش کردن از صفات شیاطین است؛ بنابراین صفتی مذموم و مورد نهی است.

در روایات نیز از طریق محمد بن مروان از امام صادق (ع) روایت شده است که آن حضرت می‌فرمود: «سه دسته هستند که در روز قیامت دچار عذاب الهی خواهند شد و [آنان را برشمرد تا اینکه فرمود:] از جمله کسی که به مکالمه دیگران گوش دهد در حالی که آنان به این کار رضایت ندارند. به گوش‌های چنین کسانی در روز قیامت سرب گذاخته خواهند ریخت» (قمی، ۱۴۰۶: ۲۹۷). همچنین پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «هرکس به نوشته برادر دینی‌اش بدون اذن او نگاه کند، گویی به آتش نگاه می‌کند» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۹: ۱۵۹). در تفسیر المیزان از کتاب کافی به سند خود از ابی عمرو زبیدی از امام صادق (ع) روایتی آمده است که درباره واجبات اعضا فرمود: «بر چشم واجب کرده که به آنچه خداوند بر او حرام کرده ننگرد و از آنچه بر او حلال نیست، اعراض کند» (طباطبایی، ۱۳۶۳، ۱۵ / ۱۶۴).

بنا بر آنچه گفته شد، شنود مکالمه دیگران از آن جایی که اغلب مفسده‌ای در بر داشته یا موجب اطلاع بر امور پنهانی افراد و دیگر اموری که شارع راضی به کشف آن نیست می‌شود، حرام است (خوئی، ۱۴۱۸: ۳۰۷). استراق بصر نیز چنی است. از این دلیل در جهت حمایت از اطلاعات سری در عرصه تجارت نیز می‌توان بهره گرفت. بدین صورت که اطلاعات سری تجاری معمولاً به صورت اسناد مکتوب در شرکت‌های تجاری حفاظت می‌شوند یا ابعاد سری و بدیع اطلاعات مزبور میان افرادی که در دسترسی به آن مجازند در قالب مکالمه شفاهی رد و بدل می‌گردد، استراق سمع از اطلاعات سری تجاری یا تحصیل این گونه اطلاعات از طریق استراق بصر به اسناد مکتوب حاوی آن، مستنداً به ادله پیش گفته مفسده دارد و چون شامل اموری که شارع راضی به کشف آن نیست می‌شود، منهی شارع، حرام و مضموم خواهد بود.

ممنوعیت خیانت در امانت: خیانت در امانت یعنی تصرف امین در مالی که نزد او به امانت گذاشته شده در جهتی مخالف مقصود امانتگذار (معین، ۱۳۸۲، ج ۵: ۱۰۴۸). آیات^۱ (برای توضیح

۱. «ان الله يامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها» (نساء، ۵۸). مقصود از امانت، مطلق تعهد است، خواه با اشخاص حقیقی باشد، خواه با اشخاص حقوقی. همچنین امانت اعم است از امانات عقدی و شرعی. جمع بودن و الف و لام داشتن «الامانات» بیانگر عمومیت است

بیشتر ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۱۱-۲۱۳) و روایات^۱ (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹: ۷۷-۷۶؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۶۶۰) متعددی به این مسئله اشاره کرده است. از منظر فقهی نیز اگر کسی امانتی را از کسی بپذیرد حفظ آن بر عهده وی است (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۸۱) و خیانت در آن حرام بوده، موجب تعزیر می‌شود (حلی، ۱۴۱۴، ج ۱۲: ۱۴۷). مطابق ادله فوق، امانتدار و امین بودن مؤمنان بدین معنا است که مأمّن اموال و محرم اسرار مردم‌اند (احمدلو، ۱۳۹۲: ۱۴۹).

بنابراین در رابطه با اطلاعات سری تجاری که کارفرما نزد مستخدم خود در یک شرکت تجاری بازگشایی می‌کند، مستخدم باید به وظیفه امانتداری خود، که همان حفظ آن اطلاعات و عدم افشا و بازگو نکردن آن برای دیگری است، عمل کند. می‌توان گفت عمل طبق این وظیفه، نوعی از تأدیه این گونه امانت‌ها است و رفتار بر خلاف آن، نوعی از خیانت در امانت تلقی می‌شود. در نتیجه، افرادی که به اطلاعات سری تجاری تحت عناوینی چون مدیر و مستخدم دسترسی دارند، از جهت اینکه اطلاعات مزبور نزد ایشان متصف به وصف امانت و حفظ آن بر عهده ایشان است، حق افشا و بازگو کردن آن را برای افراد غیرمجاز ندارند. بدیهی است نقض این وظیفه موجب صدق خیانت در امانت خواهد شد.

۳. قواعد حمایتی از اطلاعات سری تجاری در حقوق ایران

در این قسمت مسئولیت قراردادی و مسئولیت غیرقراردادی مورد مذاقه قرار گرفته است و ذیل مسئولیت غیرقراردادی مسئولیت مبتنی بر تقصیر، مسئولیت نوعی و مسئولیت مطلق بحث و بررسی می‌شود.

و هرگونه امانتی را شامل می‌شود؛ «یا ایها الذین امنوا لا تخونوا الله و الرسول و تخونوا اماناتکم و انتم تعلمون»؛ «و الذین هم لاماناتهم و عهدهم راعون».

۱. «لیس منّا من اخلف بالامانة قال - و قال رسول الله ص الامانة تجلب الرزق - و الخيانة تجلب الفقر»؛ «آنه نهی عن الخيانة و قال - من خان امانة فی الدنیا و لم یردّها إلى أهلها - ثم أدرکه الموت مات علی غیر ملتی - و یلقى الله و هو علیه غضبان»؛ «المجالس بالامانة و لیس لاحد أن یحدث بحديث یکنمه صاحبه الا یأذنه». طبق این حدیث اسرار افراد نزد یکدیگر امانت است؛ بنابراین این اسرار باید پنهان بمانند.

۳-۱. مسئولیت قراردادی

اصل آزادی قراردادی در حقوق ایران به وسیله ماده ۱۰ قانون مدنی اعلام شده است. بنابراین، جز در مواردی که قانون مانعی در راه نفوذ قرارداد ایجاد کرده است، اراده اشخاص حاکم بر سرنوشت پیمان‌های ایشان است و آزادی اراده را باید به عنوان «اصل» پذیرفت (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۴۴). فقیهان نیز دست کم در مبحث شرط از همین اصل پیروی کرده‌اند^۱ (خویی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۹۳) و عقد صلح در مقام معامله وسیله تأمین آزادی اراده در قراردادها بوده است. در رابطه با آیه اول از سوره مائده که می‌فرماید: «یا ایها الذین امنوا... اوفوا بالعقود»، نظر بسیاری از صاحبان فن ناظر به هر عقدی است که با شرع و اخلاق مخالف نباشد؛ بنابراین اختصاص به عقود معین ندارد. درواقع، هر عقد اخلاقی و معقولی که با احکام شرع مخالفت نداشته باشد، مشمول «اوفوا بالعقود» بوده، منبع التزام است^۲ (قاسم زاده، ۱۳۸۹: ۵۰؛ یزدی، ۱۴۱۹، ج ۵: ۲۹۹).

با توجه به مطالبی که ذکر شد، قرارداد تعهد به حفظ اطلاعات سری تجاری قرارداد عدم افشا^۳ مشمول ماده ۱۰ قانون مدنی بوده، تعهد به حفظ اطلاعات مزبور را برای متعهد در مقابل متعهدله ایجاد می‌کند و حمایت از آن در قالب مسئولیت قراردادی قابل توجیه است. در حوزه قراردادی هرگاه متعهد به حفظ اطلاعات سری تجاری، به تعهد خویش عمل نکند، مقصر شناخته می‌شود و عدم اجرای قرارداد تقصیر متعهد محسوب می‌شود؛ یعنی زیان دیده برای مطالبه خسارت، فقط عهدشکنی خواننده دعوا و تحقق ضرر و زیان ناشی از عدم اجرای قرارداد را ثابت می‌کند.

۳-۲. مسئولیت غیرقراردادی

با توجه به مبانی مسئولیت^۴ در نظام حقوقی ایران، مسئولیت شخص ناقض حریم اطلاعات سری تجاری در سه حوزه مسئولیت مبتنی بر تقصیر، مسئولیت نوعی و مسئولیت مطلق قابل بررسی است که در ادامه به تحلیل آنها پرداخته می‌شود (قاسم زاده، ۱۳۸۸: ۱۲).

۱. «المؤمنون عند شروطهم الا شرطا احل حراما او حرم حلالا».

۲. «و لا نسلم انحصارها (ای العمومات) فی المعهودات، و لا حاجة إلى الدلیل الخاص لمشروعيتها، بل کلّ معاملة عقلائیة صحیحة إکّا ما خرج بالدلیل الخاص کما هو مقتضى العمومات».

3. Non-Disclosure Agreement.

۴. مبناى مسئولیت چیزی است که مسئولیت شخص حقیقی و یا حقوقی با آن توجیه می‌شود.

۳-۲-۱. مسئولیت مبتنی بر تقصیر

طبق ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، صدمه به هر حقی موجب مسئولیت خواهد شد. از این رو، چنانچه شخصی از روی تقصیر، حقوق اطلاعات سری تجاری را به هر نحوی نقض کند، به شرط ورود خسارت، مسئول شناخته خواهد شد. در یکی از شرح‌های موافقت‌نامه راجع به جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری، در رابطه با مسئولیت مدنی نقض اطلاعات مزبور تصریح شده است: «شخصی که اطلاعات سری تجاری را بدون کسب منفعت فاش سازد و یا از آنها استفاده کند، در شرایط ذیل مسئول شناخته می‌شود:

الف) اطلاعات را از طرق غیرقانونی تحصیل کرده باشد.

ب) استفاده یا آشکارسازی با نقض تعهد امانی همراه باشد.

ج) اطلاعات مزبور را از ثالثی اخذ کرده باشد، با علم به اینکه اطلاعات فوق، اطلاعات سری تجاری‌اند و نیز علم به اینکه ثالث از طرق غیرقانونی یا با نقض تعهد امانی، اطلاعات را به دست آورده است.

د) اطلاعات سری تجاری را از شخص ثالثی اخذ کرده باشد، با علم به اینکه اطلاعات اشاره شده، اطلاعات سری تجاری است و ثالث اشتباهاً آن را فاش کرده است» (Kamper man, Anselm, 1997: 201).

همچنین، تعهدات امانی ناظر به حالتی است که رابطه قراردادی صریحی میان طرفین برای حمایت از این گونه اطلاعات در میان نباشد (رهبری، ۱۳۸۹: ۲۱۳)؛ اما به دلیل حمایت از حقوق دارنده اطلاعات سری تجاری، چنین تعهدی به طور ضمنی حاصل می‌شود که در صورت نقض تعهد، مرتکب مقصر شناخته شود. بنابراین، به نظر می‌رسد که در اولین بررسی قواعد حمایتی درباره مسئولیت مدنی، شخص مرتکب در صورتی مسئول تلقی می‌شود که مرتکب تقصیر شده باشد؛ امری که در نظام حقوقی ایران نیز پذیرفته شده است.

با توجه به این مطالب می‌توان گفت که شرط تحقق مسئولیت در این حالت، تقصیر مرتکب است. مبنای حاضر بدین جهت که از یک سو اثبات تقصیر را شرط احراز مسئولیت قلمداد کرده است و از سوی دیگر دارندگان اطلاعات سری تجاری در اثبات تقصیر با مشکلاتی روبه‌رو هستند، به نحو مساعد از حقوق اطلاعات سری تجاری، حمایت نمی‌کند.

۳-۲-۲. مسئولیت نوعی

در حقوق ایران، قاعده اتلاف و تسبیب که به ترتیب به آنها در مواد ۳۲۸ و ۳۳۱ قانون مدنی اشاره شده است، از جمله مبانی معتابه مسئولیت عینی‌اند. طبق این مبنا، صرف ورود زیان، به شرط وجود رابطه سببیت، برای احراز مسئولیت کافی خواهد بود. به عبارت روشن‌تر، در این نظریه اصل بر مسئولیت و جبران است و به دلیل قرار نگرفتن این نظریه بر پایه تقصیر، اثبات عدم تقصیر تأثیری در مسئولیت ندارد. تنها راه برای خروج از مسئولیت، اثبات وجود علت خارجی است، زیرا در صورت احراز علت خارجی، رابطه مفروض بین فاعل و خسارات قطع می‌شود و وی از مسئولیت و جبران خسارات معاف خواهد شد (ره‌پیک، ۱۳۹۵: ۴۴).

بر اساس ماده ۳۲۸ قانون مدنی در خصوص قاعده اتلاف، مرتکب باید مال موجود دیگری را به طور مستقیم تلف کند. بنابراین در این حالت، اولاً باید مالی وجود داشته، ثانیاً تلف رخ داده باشد. حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا این قاعده در خصوص نقض حقوق اطلاعات سری تجاری کارکرد دارد یا خیر. برای پاسخ به این پرسش، باید توجه داشت که اطلاعات سری تجاری نیز مال محسوب می‌شود؛ زیرا تعاریف اشاره شده توسط فقها برای مال، کاملاً منطبق بر این نهاد حقوقی است؛ برای نمونه «المال ما یرغب فیہ العقلاء و یرذلون بازائه شیئا» (ر.ک: موسوی خوئی، بی‌تا، ج ۲: ۴۲) و «ان المال کل شی یكون للناس احتیاج الیه فی تدبیر امورهم فی حیاتهم و معیشتهم» (ر.ک: بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۲: ۲۹).

از سوی دیگر، باید به قلمرو قاعده اتلاف عنایت شود؛ توضیح آنکه این قاعده عمومیت دارد و شامل اتلاف هرگونه مال اعم از عین و منفعت می‌شود. اطلاق ادله قاعده اتلاف در متون فقه امامیه^۱ حاکی از آن است که به فراتر از اعیان و منافع توجه شده است. البته این که بعضی فقها در این باره امثله‌ای را ذکر فرموده‌اند که ناظر بر اعیان و منافع است، حکایت از غلبه این نمونه‌ها در آن زمان دارد (ر.ک: شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱۲ / ۱۶۲)؛ زیرا همچنان که برخی دیگر بیان کرده‌اند، مثال‌های موجود در خصوص اتلاف آن قدر فراوان است که قابل احصاء نیست (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲: ۳۵۲).

۱. «حرمة مال المسلم كحرمة دمه» و یا عموم ادله قاعده لاضرر (نفی ضرر) یا عبارت «من اتلف مال الغير فهو له ضامن».

در خصوص اتلاف مال، صدق استناد عرفی اتلاف حائز اهمیت است، هرچند آن مال در ظاهر تلف نشده باشد^۱ (موسوی خمینی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۴۱۵). شاید به همین جهت باشد که برخی از بزرگان فقها معتقدند، متعلق اتلاف مال، گاه ناظر به اصل مال است و گاه ناظر به از بین بردن مالیت مال و در برخی موارد نیز ناظر به از بین بردن ملکیت مال^۲ (اصفهانی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۳۳۱). لذا، همین که گفته شود شخص عرفاً متلف مال بوده است، برای تحقق اعمال قاعده اتلاف کفایت می‌کند (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲: ۱۴). بنابراین اگر کارمند یا مستخدم یک شرکت به اقتضای سمت خود به اطلاعات سری تجاری دست یابد و بدون هیچ‌گونه قصد و تعمدی، این اطلاعات را افشا کند، اتلاف مال محقق شده است و وی باید از عهده خسارات وارده برآید؛ زیرا در این حالت، افشای اطلاعات سری تجاری به مثابه تلف به شمار می‌رود.

در اتلاف عنصر عمد و قصد دخالت ندارد و صرف تلف مال دیگری کافی است؛ اما عدم دخالت عنصر قصد و عمد در پدید آمدن ضمان اتلاف، بدین معنا نیست که در هیچ‌یک از مراحل عملی که مجوز انتساب و استناد تلف به فاعل باشد، لازم نیست، بلکه بی‌گمان احراز انتساب عمل به فاعل ضروری است؛ زیرا از ارکان اصلی ضمان اتلاف، تحقق مفهوم اتلاف است. بدیهی است که این مفهوم با مفهوم تلف فرق دارد (محقق داماد، ۱۳۹۱: ۱۱۴).

اما مبنای دیگری که به موازات قاعده اتلاف بررسی می‌شود، قاعده تسبیب است که در ماده ۳۳۱ قانون مدنی به آن اشاره شده است. به موجب این قانون هرکس سبب تلف مالی بشود، باید از عهده خسارات وارده برآید. در رابطه با این مبنا، باید توجه داشت که معیار تفکیک میان اتلاف و تسبیب، صدق عرفی تلف نسبت به شخص مرتکب است. درواقع، منشأ ضمان همان اتلاف مال است و در تفکیک میان مباشر و مسبب، دآوری با عرف خواهد بود که صدق عرفی تلف ممکن است بر مسبب، مباشر یا هر دو بار شود (مراغی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۴۲۵). بنابراین تسبیب نیز به نوعی مسئولیت عینی قلمداد می‌شود که در متون فقهی از آن تحت عنوان اتلاف بالتسبیب اسم می‌برند. اتلاف در

۱. مثالی که فقیه مزبور ذکر فرموده ناظر به حالتی است که شخصی، پرنده شخص دیگری را آزاد کند که در ظاهر تلفی اتفاق نیفتاده است، اما عرفاً به شخص مالک زیان وارد شده و شخص خاطی متلف قلمداد خواهد شد.

۲. «أن الإتلاف تارة إعدام ذات المال، وأخرى إعدام المالیة كأن جعل الخل خمرًا، وثالثة إعدام المملکة بأن يعمل عملاً یقطع إضافته إلى صاحبه مع بقاء المال بما هو مال».

میان فقها دو نوع است، به مباشرت و به تسبیب که عده‌ای از فقها معتقدند تمامی انواع اتلاف به نوعی تسبیب است.

سبب گاهی نزدیک و گاهی دور است که به اولی مباشرت و به دومی تسبیب گفته می‌شود؛ ولی در هر حال موجب مسئولیت است و ضابطه در این باره استناد عرفی اتلاف به متلف است (کاشف الغطاء، ۱۳۵۹، ج ۳: ۱۴۱؛ برای مشاهده نظر مشابه و تأیید این نظر ر.ک: نائینی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۱۷۲؛ موسوی خوئی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۲۴۲). بنا بر این معیار، صحت قابلیت انتساب عرفی اتلاف به شخص مرتکب است. از این رو، اینکه برخی حقوق‌دانان بین این دو قاعده قائل به تفکیک شده، تقصیر را در تسبیب به عنوان یک عنصر مستقل به حساب آورده‌اند، صحیح به نظر نمی‌رسد (امامی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۳۸۷-۳۸۶؛ قاسم‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۱)؛ زیرا تقصیر مصحح انتساب و استناد است و تنها انتساب و استناد شرط است. اگر وسایط کم و قابل اغماض باشند، انتساب حتی بدون احراز تقصیر نیز برقرار است؛ اما در صورت کثرت و قابل توجه بودن واسطه، تقصیر نیز می‌تواند انتساب عرفی بین ضرر و عمل را احراز کند، اما احراز تقصیر به طور مستقل لازم نیست (ره‌پیک، ۱۳۹۵: ۱۷۶)؛ برای نمونه، در شرایطی که شرکت‌های رقیب، کارگران یا کارمندان شرکت‌های دیگر را برای افشای اطلاعات سری تجاری ترغیب و یا تطمیع می‌کنند، عرفاً می‌توانند از باب تسبیب مسئول شناخته شوند.

طبیعی است استفاده از مسئولیت‌های عینی مبتنی بر اتلاف و تسبیب در مقایسه با مسئولیت مبتنی بر تقصیر، حقوق‌دارندگان اطلاعات سری تجاری را به گونه بهتری تضمین می‌کند. البته روشن است ورود ضرر و زیان یکی از ارکان ایجاد مسئولیت است و بدون تصور ضرر و زیان، هیچ‌یک از انواع مسئولیت مدنی پدید نخواهد شد. در این نمونه (مسئولیت عینی) نیز اثبات ضرر توسط زیان‌دیده، یکی از شروط اصلی مسئولیت است (صفایی، ۱۳۹۴: ۹۷).

گاهی افراد به اطلاعات موجود در شرکت دست می‌یابند، اما فرصت افشای آن را پیدا نمی‌کنند. در نظام حاکم بر اطلاعات سری تجاری، هنگامی که افراد با سوءنیت به چنین اطلاعاتی دست یابند، مسئول قلمداد می‌شوند (Forstel, 2005: 78). حال آنکه بر اساس مبنای موجود، اگر فردی به اطلاعات سری تجاری دسترسی داشته و بدون آنکه از اطلاعات مذکور استفاده یا آنها را افشا کرده باشد و در این حالت علتی بیرونی باعث استفاده اشخاصی غیر از متصرف اطلاعات شود یا موجبات افشا اطلاعات را برای دیگران فراهم آورده باشد، علی‌رغم اثبات زیان توسط زیان‌دیده، متصرف

مسئول قلمداد نمی‌شود؛ زیرا در صورت احراز علت خارجی رابطه مفروض بین فاعل و خسارات قطع می‌شود و وی از مسئولیت و جبران خسارات معاف خواهد بود. به همین دلیل، در حقوق ایران باید در جست‌وجوی مبنای دیگری بود که بتواند در کنار مبانی تقصیر، اتلاف و تسبیب، تضمین‌کننده حقوق دارندگان اطلاعات سری تجاری به نحوی مطلوب‌تر باشد.

۳-۲-۳. مسئولیت مطلق

در این نظریه اصل بر مسئولیت است و شخص در هیچ حالتی نمی‌تواند از مسئولیت مبرا شود؛ حتی علت خارجی نیز نمی‌تواند مسئولیت شخص را از بین ببرد (سنه‌وری، بی‌تا، ج ۱: ۷۶۵-۷۶۴). مسئولیت مطلق ناظر بر فرضی است که رابطه سببیت میان ورود زیان و فعل شخص، شرط ایجاد مسئولیت نیست؛ بلکه صرف استیلا و در اختیار داشتن مال، بدون مجوز، ضمان را به دنبال خواهد داشت. این مبنا در حقوق ایران، تحت عناوینی چون غصب و آنچه در حکم آن است، مطرح می‌شود. آنچه بر اساس این مبنا اهمیت دارد، صدق عرفی استیلا است که عمد یا خطای متصرف در مسئولیت او مؤثر نیست. به همین دلیل، اگر شخصی با این تصور که در مال خود یا مال دیگری با اذن او، تصرف کند، اما مال متعلق به غیر باشد یا اذنی موجود نباشد، استیلای تحقق‌یافته موجب ضمان است. در این حالت اگر ضرری، ولو در اثر علل خارجی، وارد شود، مسئولیت بر عهده مستولی است.

ماده ۳۰۸ قانون مدنی در همین راستا به تعریف این مبنا پرداخته و غصب را استیلا بر حق غیر معرفی کرده و اثبات ید بر مال غیر بدون مجوز را در حکم غصب دانسته است. حال پرسش قابل طرح این است که آیا اطلاعات سری تجاری قابلیت غصب و استیلا دارند یا خیر. در پاسخ به این مهم، باید به این نکته توجه داشت که استیلا مفهومی کاملاً عرفی است^۱ (مراغی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۴۲۶)؛ بنابراین برای احراز استیلا به تناسب هر نمونه باید به عرف مخصوص در آن مال رجوع کرد. همچنین از آنجا که غصب استیلا بر حق و مال غیر است، اطلاعات سری تجاری نیز می‌تواند از مصادیق آن به شمار آید.

دومین لفظی که در تعریف غصب باید بررسی شود، متعلق استیلا است. با توجه به توضیحات ارائه شده، اطلاق کلمات مال و حقوق، اطلاعات سری تجاری را در بر خواهند گرفت. به همین

۱. «لكن المراد في الخبر بمقتضى القواعد هو الاستيلاء العرفي، ولا مدخل للشرع في ذلك».

جهت، غصب اطلاعات سری تجاری امکان پذیر است و سبب مسئولیت مرتکب خواهد شد. در موافقت نامه درباره جنبه های تجاری حقوق مالکیت فکری (Forstel, 2005: 80) صرف دستیابی به اطلاعات سری تجاری به صورت نامشروع سبب مسئولیت شناخته شده است، بدون آنکه شخص مرتکب، از اطلاعات مذکور استفاده یا آنها را افشا کرده باشد. به عبارت دیگر، چنانچه شخصی به اطلاعات سری تجاری به صورت نامشروع دست یابد و به علت خارجی موجبات افشا یا استفاده دیگران از آن اطلاعات فراهم بیاید، این امر نیز مانع از مسئول شناختن شخص نخواهد بود.

سؤالی که ممکن است درباره استیلا بر مال متعلق به دیگری (همچون اطلاعات سری تجاری) در حقوق ایران طرح می شود، این است که آیا برای تحقق ضمان بر استیلا، استقلال در استیلا شرط است یا خیر. این پرسش از آنجا نشئت می گیرد که در تعریف غصب، در برخی متون فقهی، تعبیر استقلال در اثبات ید مشاهده می شود^۱ (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۵: ۱۴۵). در پاسخ باید گفت تعبیر مزبور آمده تا نمونه هایی که اثبات ید بر آنها صدق نمی کند یا شخص مستقل در تصرف نیست - نظیر ممانعت مالک از اینکه از مال خود استفاده کند - یا آنجا که ید متصرف بر جامعه ای که مالکش آن را به تن دارد، می اندازد، از تعریف غصب خارج شود^۲ (طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۱۴: ۵). در نتیجه، اینکه شخصی به اطلاعات سری تجاری دست پیدا کند و در عین حال اطلاعات مزبور در دسترس دارنده این حقوق نیز باشد، مانع از صدق عنوان غصب بر او نخواهد بود.

باید عنایت داشت هر چند در صدر ماده ۳۰۸ قانون مدنی از غصب سخن به میان است، ذیل ماده مزبور اثبات ید بر مال غیر را به نحو مطلق و بدون این که نیاز به عدوان باشد، در حکم غصب تلقی نموده است. بنابراین، می توان تصور کرد شخصی با دسترسی پنهانی به اطلاعات مزبور، آنها را در اختیار ثالث قرار داده و ثالث نیز از ماهیت غیرمجاز بودن آن آگاهی نداشته باشد. در این فرض، استیلا بر مال دیگری تحقق یافته و ثالث مشمول قسمت دوم ماده ۳۰۸ قانون مدنی خواهد بود؛ اما در نظام حاکم بر موافقت نامه درباره جنبه های تجاری حقوق مالکیت فکری، شخص اخذ به دلیل حسن نیت مسئول قلمداد نمی شود (Jackson, M, 2003: 23).

۱. «الغصب، هو الاستقلال بإثبات الید علی مال الغير عدواناً».

۲. «و خرج بالاستقلال بإثبات الید ما لا إثبات معه أصلاً کمنعه من ماله حتی تلف».

با توجه به قسمت دوم ماده ۳۰۸ قانون مدنی، در نظام حقوقی ایران به نظر می‌رسد طرح دعوای مسئولیت مدنی بر این اساس، به نفع دارنده اطلاعات سری تجاری باشد. به عبارت روشن‌تر، در فرض تصاحب اطلاعات سری تجاری حتی در حالتی که متصرف آن را افشا یا خود از آن استفاده نکند و به علت خارجی موجبات افشا یا استفاده از آن برای غیر فراهم آمده باشد، در صورت ورود ضرر و زیان، به نظر می‌رسد که طرح دعوای مسئولیت مدنی - در صورتی که قائل به حاکمیت مسئولیت مطلق بر نظام اطلاعات سری تجاری شویم - وجه باشد؛ زیرا طبق مسئولیت مطلق، شخص در هیچ حالتی نمی‌تواند از مسئولیت مبرا شد.

مطالب ارائه شده در مسئولیت غیر قراردادی، در صدد ترسیم صحیح نظام مسئولیت مدنی حاکم بر اطلاعات سری تجاری در صورت وضع مقررات خاص و ویژه برای این نهاد در کشور است. از این نوع ضمانات اجراها در نظام حقوقی ایران، برای حمایت از حقوق اطلاعات سری تجاری استمداد جست. اهمیت اطلاعات سری تجاری ایجاب می‌کند تا همچون دیگر نظام‌های حقوقی، قواعد ویژه‌ای به این امر اختصاص یابد و احکام ویژه حمایتی در این راستا وضع شود.

نتیجه‌گیری

طبق ایده موافقت‌نامه درباره جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری و اثرات علمی منتشر شده درباره آن، نهاد اطلاعات سری در عرصه تجارت تعریف شده و عناصر اساسی آن به دقت موشکافی گردیده است. غیر از قانونگذاری‌های موردی و پراکنده، تا کنون تعریف جامع و مانعی از اطلاعات سری تجاری در حقوق ایران ارائه نشده و به مبانی و قواعد حمایتی از این اطلاعات با رویکرد حقوق داخلی اشاره نشده است. این امر ضرورت بررسی تحلیلی اطلاعات سری تجاری را در حقوق ایران از منظر حقوق خصوصی، بیش از پیش گوشزد می‌کند.

برای مبانی توجیهی نهاد اطلاعات سری تجاری در حقوق ایران می‌توان دو محور مالکیت فکری و حریم خصوصی اطلاعات مزبور را در نظر گرفت. در قسم اول ادله‌ای نظیر قاعده حرمت و تسلیط، قاعده لاضرر و نفی حرج، قاعده حفظ نظام تجاری، حکم حکومتی و نظریه منطقه الفراغ قابل ارائه است. این ادله با حمایت از بعد مالکیت فکری اطلاعات مزبور به مستندات توجیهی این نهاد حقوقی پرداخته، مقدمه اجرای آن در داخل کشور را فراهم می‌آورند. همچنین دلیل عقل، ممنوعیت تجسس و تحسس، ممنوعیت استراق سمع و بصر و ممنوعیت خیانت در امانت از دلایل محور دوم است.

پذیرش حمایت از حریم خصوصی در حقوق ایران و تطبیق آن بر اطلاعات سری تجاری، ضرورت ورود نهاد مزبور به نظام حقوقی کشور را نشان می‌دهد.

در صورت وجود قرارداد تعهد به حفظ اطلاعات سری تجاری، حمایت از اطلاعات مزبور با توجه به ماده ۱۰ قانون مدنی و مبانی فقهی در اصل حاکمیت اراده روشن است. در غیر این صورت با عنایت به سه مبنای اشاره شده در مقاله می‌توان گفت که مبنای مسئولیت مبتنی بر تقصیر، بدین جهت که از یک سو اثبات تقصیر را شرط احراز مسئولیت تلقی کرده است و از سوی دیگر دارندگان اطلاعات سری تجاری در اثبات تقصیر با مشکلاتی همراه‌اند، به نحو مساعد از حقوق اطلاعات سری تجاری حمایت نمی‌کند.

مسئولیت‌های عینی مبتنی بر اتلاف و تسبیب، در مقایسه با مسئولیت مبتنی بر تقصیر، حقوق دارندگان اطلاعات سری تجاری را مطلوب‌تر تأمین می‌کند. بر اساس این مبنا، اگر فردی به اطلاعات سری تجاری دسترسی پیدا کند و از اطلاعات مذکور استفاده یا آنها را افشا نکند، اگر علت خارجی باعث استفاده اشخاصی غیر از متصرف اطلاعات شود یا موجبات افشای اطلاعات را برای دیگران فراهم آورد، علی‌رغم اثبات زیان توسط زیان‌دیده، متصرف مسئول قلمداد نخواهد شد؛ زیرا در صورت احراز علت خارجی رابطه مفروض بین فاعل و خسارات قطع می‌شود و وی از مسئولیت و جبران خسارات معاف خواهد بود. به همین دلیل، در حقوق ایران باید در جست‌وجوی مبنای دیگری بود که بتواند در کنار مبنای تقصیر، اتلاف و تسبیب تضمین‌کننده مطلوب‌تر حقوق دارندگان اطلاعات سری تجاری باشد.

در نهایت، با توجه به مسئولیت مطلق و کلیات موجود در ماده ۳۰۸ قانون مدنی در نظام حقوقی ایران، به نظر می‌رسد طرح دعوای مسئولیت مدنی بر این اساس مناسب‌تر باشد؛ زیرا طبق مسئولیت مطلق، شخص در هیچ حالتی نمی‌تواند از مسئولیت مبرا شود. در این حالت، حتی علت خارجی نیز نمی‌تواند مسئولیت شخص را از بین ببرد و مسئول قلمداد خواهد شد.

منابع

فارسی

- احمدلو، منا (۱۳۹۲)، حریم خصوصی در فقه و حقوق ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
- اصفهانی، مجلسی اول، محمد تقی (۱۴۰۶ ق)، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، ج ۱۰، چاپ دوم، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور.
- اصفهانی، محمد حسین (۱۴۱۸ ق)، حاشیه کتاب المکاسب، چاپ اول، ج ۱ و ۴، قم: أنوار الهدی.
- امامی، سیدحسن (۱۳۸۵)، حقوق مدنی، ج ۱، چاپ بیست و ششم، تهران: انتشارات اسلامی.
- انصاری (شیخ)، مرتضی بن محمد امین (۱۳۷۰)، المکاسب، در لوح فشرده نور الفقه ۳، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۴ ق)، رسائل فقهیه (للشیخ الأنصاری)، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم: چاپ اول.
- بجنوردی، سید حسن (۱۴۱۹ ق)، القواعد الفقهیه، چاپ اول، ج ۲، قم: نشر الهادی.
- پیلوار، رحیم (۱۳۹۴)، «مفهوم اموال فکری در حقوق اموال و جایگاه آن»، مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ش ۱۲.
- تبریزی، جعفر سبحانی (۱۴۱۵ ق)، الرسائل الأربع (للسبحانی)، چاپ اول، ج ۲، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- جعفرزاده، میر قاسم (۱۳۸۵)، «مبانی فقهی مشروعیت حقوق فکری»، مجله تخصصی الهیات و حقوق، ش ۱۹.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، تسنیم: تفسیر قرآن کریم، تحقیق و تنظیم سعید بند علی و عباس رحیمیان محقق، قم: اسراء، چاپ دوم.
- حسینی عاملی، سید محمد جواد (۱۴۲۹ ق)، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- حکمت نیا، محمود (۱۳۸۶)، مبانی مالکیت فکری، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۴ ق)، تذکره الفقها، چاپ اول، ج ۱۲، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
- حیدری، سید کمال (۱۴۲۰ ق)، قاعده لاضرر و لاضرار (تقریرات الشهد الصدر)، قم: دارالصادقین.
- خرازی، سید محسن (۱۳۸۰)، «فی التجسس و التفتیش»، فقه اهل بیت، ش ۲۶.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۶۸)، المکاسب المحرمه، ج ۲، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- خمینی، مصطفی (۱۴۱۸ ق)، خيارات، ج ۲، قم: تحقیق مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی.
- خویی، السید ابوالقاسم (۱۴۱۸ ق)، صراط النجاة فی اجوبة الاستفتائات، مع تعليقات و ملحق لسماحة الشيخ جواد التبریزی، بی جا: دفتر نشر برگزیده.
- خویی، شهید، سید محمد تقی موسوی (۱۴۱۴ ق)، الشروط أو الالتزامات التبعية فی العقود، چاپ اول، ج ۱، بیروت: دار المؤرخ العربی.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۹ ق)، مصباح الفقاهة، چاپ اول، نشر الفقاهة.
- رهبری، ابراهیم (۱۳۸۹)، حقوق اسرار تجاری، چاپ اول، تهران: سمت.
- رهپیک، حسن (۱۳۹۴)، حقوق مسئولیت مدنی و جبران ها، چاپ سوم، تهران: انتشارات خرسندی.

- سبزواری، سید عبد الأعلى (۱۴۱۳ ق)، مهذب الأحكام، چاپ چهارم، ج ۲۱، قم: مؤسسه المنار.
- سنهوری، عبدالرزاق (بی تا)، الوسیط، ج ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ ق)، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، چاپ اول، ج ۵ و ۱۲، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
- صدر، سید محمد باقر (بی تا)، اقتصادنا، بیروت: مکتبه الاعلام الاسلامی.
- صرامی، سیف الله (۱۳۸۰)، احکام حکومتی و مصلحت، چاپ اول، تهران: نشر عبیر.
- صفایی، حسین (۱۳۹۴)، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، چاپ هشتم، تهران: انتشارات سمت.
- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۶۳)، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۵، بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبائی.
- طباطبائی حائری، سید علی (۱۴۱۸ ق)، ریاض المسائل، چاپ اول، ج ۱۴، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۸۶)، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
- طوسی، محمد (بی تا)، المبسوط، تصحیح و تعلیق محمد باقر بهبودی، المکتبه المرتضویه لاحیاء آثار الجعفریه.
- عاملی، حرّ، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق)، وسائل الشیعه، چاپ اول، ج ۱۹، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۵)، فقه و حقوق، چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- فیض، علیرضا (۱۳۸۱)، ویژگی های اجتهاد و فقه پویا، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- قاسم زاده، سید مرتضی (۱۳۸۷)، مبانی مسئولیت مدنی، چاپ پنجم، تهران: میزان.
- قاسم زاده، سید مرتضی (۱۳۸۹)، اصول قراردادها و تعهدات، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات دادگستر.
- قاسم زاده، سید مرتضی (۱۳۸۸)، الزام ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، چاپ هشتم، تهران: میزان.
- قبولی درفشان، سید محمد مهدی (۱۳۹۲)، «مطالعه تطبیقی حمایت مدنی و کیفری از حقوق اسرار تجاری در نظام حقوقی ایران و امریکا»، مجله دانشنامه حقوق اقتصادی، س ۱۹، ش ۴.
- قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۶ ق)، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، چاپ دوم، قم: دار الشریف الرضی للنشر.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸)، قواعد عمومی قراردادها، چاپ هشتم، ج ۱، شرکت سهامی انتشار.
- کاشف الغطاء، حسن (۱۴۲۲ ق)، أنوار الفقاهة (کتاب الغصب)، چاپ اول، نجف اشرف: مؤسسه کاشف الغطاء.
- کاشف الغطاء، محمد حسین (۱۳۵۹)، تحریر المجله، چاپ دوم، ج ۳، قم: مکتبه النجاش.
- کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، الکافی، چاپ چهارم، ج ۲، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ق)، بحار الانوار، چاپ اول، ج ۷۲، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۹۱)، قواعد فقه (بخش مدنی)، چاپ سی و هفتم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مراغی، سید میر عبد الفتاح (۱۴۱۷ ق)، العناوین الفقهيّة، چاپ اول، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مظفر، محمد رضا (۱۳۸۴)، اصول الفقه، ترجمه محسن غرویان و علی شیروانی، چاپ چهارم، قم: دار الفکر.
- معین، محمد (۱۳۸۲)، فرهنگ فارسی، چاپ اول، ج ۵، تهران: سی گل.

- موسوی خمینی، سید مصطفی (۱۴۱۸ ق)، کتاب البیع، چاپ اول، ج ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.
- موسوی خوئی، سید ابو القاسم (بی تا) مصباح الفقاهة (المکاسب)، بی تا، ج ۲.
- موسوی خوئی، سید ابو القاسم (۱۳۶۶)، مبانی تکملة المنهاج، چاپ دوم، ج ۲، قم: لطفی و دار الهادی.
- ناصحی، علی (۱۳۹۴)، مبانی حقوقی و فقهی رقابت، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
- نائینی، محمدحسین (۱۴۱۸ ق)، حاشیه المکاسب (منیه الطالب)، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- النجفی، الشیخ محمد حسن (۱۳۶۳)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، حققه و علق علیه محمود قوچانی، چاپ ششم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- نوری، محدث، میرزا حسین (۱۴۰۸ ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چاپ اول، ج ۹، لبنان: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی (۱۴۱۹ ق)، العروة الوثقی (المحشی)، چاپ اول، ج ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

انگلیسی

- Boni, William C. (2002), "Keep the Digital Jewels in the Vault", Security management, Vol. 46, I 5.
- Holligan, Mark R and Richard F. Weyand, "The Evaluation of Secret Business Information assets", aa www.Thesto.com.
- Kamper man, Anselm S (1997), TRIPS explanation, The Protection Of Intellectual and Industrial Creativity, England: Oxford university press.
- Milgrim, Roger M. (2006), "Commission Proposed Capital punishment by Definition for Secret Business information, A uniquely IP Right", journal patent and trademark office and society, Vol. 88.
- Simon and Jones. (2005), "Crimes and Criminals, How to Avoid Being Victim or Perpetrator the Computer and Internet", Lawyer Journal, Vol. 22, No. 1.
- Forstel, Herbert N. (2005), Freedom of Information and Right to Know, USA: greenwood press.
- Jackson, M (2003), Practical Guide to Protecting Confidential Business Information, England: Law Book Company.
- Wipo, Understanding copy right, wipo pub, 2008.
- The Honourable Julie A. Thorburn, Keith G. Fairbairn (1998), Law of Confidential Business Information, Law book, Canada.